

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ مارچ ۲۰۲۲

درس "CIA" به "ISI"!

شنبه - ۱۴ - حوت ۱۴۰۰ - کابل: اگر مشکلات زندگی روزمره در شکنجه گاهی به نام افغانستان تحت قیادت زندانبانان بیرحمی از قماش "حقانی" های طالب و بقیه جیره خواران ارتجاع بین المللی برایتان وقت و حوصله شنیدن اخبار را گذاشته باشد، احتمالاً شما هم خبر انفجار انتحاری روز گذشته در مسجد شیعیان در محل "قصه خوانی پشاور" را شنیده و دیده باشید. انفجاری که در اثر آن تا کنون بیش از ۶۰ تن کشته و حدود ۲۰۰ تن دیگر زخمی به همراه داشته است. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- نفرت مردم ما از سیاست های ویرانگر نظامیان و استخبارات نظامی پاکستان باعث شده است که با کمال تأسف مردم ما به غلط فکر کنند که هر بلایی بر سر پاکستان بیاید با استناد به ضرب المثل "چاه کن در چاه است" مردم آن کشور سزاوار چنان بلیه و مصیبت می باشند. اشتباه دردانگیزی که در چنین طرز دیدی وجود دارد، اختلاط حاکمیت های پاکستان با توده های میلیونی آن کشور است. چنین طرز دیدی اولاً نمی بیند که تمام مصایب وارده از جانب دولت پاکستان و زمامداران آن کشور بر مملکت ما وارد شده نه مردم آن، در ثانی مردم پاکستان به همان اندازه قربانی سیاست های ضد ملی، عقب گرایانه و ارتجاعی زمامداران آن کشور است که مردم ما قربانی جنایات دولت پاکستان بوده اند و ثالثاً مردم پاکستان اعم از سنی و شیعه آن در عمل ثابت ساخته اند که یار و مددگار مردم ما بوده، جدائی رسمی حدود ۱۳۰ سال به وسیله حاکمیت ها، کمترین خللی در روابط برادرانه باشندگان دو طرف مرز بر جای نگذاشته است.

یعنی همان طور که مردم عادی پاکستان به خوشی ما خوش و به مرگ و ماتم ما غمگین شده، برادروار در هنگام مصیبت در کنار مردم ما ایستاده اند، ما هم باید این درک را بیابیم که توده های میلیونی پاکستان را برادر و همزم خود دانسته، در غم آنها غمگین و در شادی و شادمانی آنها شاد بگردیم.

۲- بادر نظر داشت این که هنگام ایجاد و سازماندهی "داعش" به وسیله امپریالیسم امریکا، انگلیس، ترکیه و ارتجاع عرب، نه تنها به نظامیان پاکستان و مشخصاً "ISI" کدام رول خاصی قابل نشدند، بلکه عملاً ایجاد "داعش" را به مثابه بدیل نهاد های تروریستی که به وسیله "ISI" به وجود آمده بودند، رویدست گرفتند، واضح است که دولت پاکستان و به ویژه "ISI" از همان آغاز نمی توانست چشم دیدن این "انباق جدید" را داشته باشد.

تجربه نشان داد که علی رغم خواست دولت پاکستان و "ISI"، قضایا آن طوری که آنها می خواستند پیش نرفته، بلکه امپریالیسم امریکا مستقیماً کوشید تا رسمی و غیر رسمی، علنی و مخفی افرادی از "داعش" را به افغانستان و پاکستان انتقال داده، به نظامیان پاکستان و "ISI" بفهماند که تا هنوز سر رشته امور را خود از طریق "CIA" در دست دارد. جنگهایی که در افغانستان بین "داعش" و طالب و یا در عراق، سوریه و لیبیا بین "داعش" و "القاعده" صورت می گرفت و می گیرد، در واقع بیانگر تضاد است که بر سر رهبری استخباراتی منطقه بین "ISI" و "CIA" وجود دارد.

۳- با حرکت از چنین منظری به جرأت نوشته می توانیم که انفجار دیروز جمعه ۱۳ حوت در مسجد شیعیان قصه خوانی پشاور، در حقیقت درسی است از جانب "CIA" که به "ISI" داده است. گذشته از این که به مناسبت حملات ۱۱ سپتمبر "CIA" هنوز هم خود را طلبگار "ISI" می داند، تحرکات اخیر پاکستان چه در قبال نزدیکی هایش با چین و روسیه و ایران و جهادست های رانده شده از افغانستان که دیگر از نظر غرب درکل و امپریالیسم امریکا به صورت خاص افتاده اند و چه مواضع صدراعظم آن کشور در قبال قضیه اوکراین و امتناع آن کشور از دادن رأی علیه روسیه و دنباله روی از خط چین و دادن رأی ممتنع به پیشنهاد مجمع عمومی ملل متحد، از گناهان کبیره ای اند که دولت امریکا نمی خواهد بدون مجازات از آن بگذرد. از همین رو با یک اشاره به "داعش" حمام خون را در پشاور به وجود آورد.

۴- با شناختی که از شیعه های پاکستان، به خصوص پشتونهای شیعه از قوم "توری" و میزان تعصب آنها وجود دارد، ضربتی را که "CIA" به "ISI" با این عملیات جنایتکارانه وارد نموده است، در صورتی که از دو طریق یعنی هم مقامات نظامی و ملکی پاکستان و هم میانجیگری دولت ایران به مثابه قیله عصر حاضر شیعیان، به غرض دلجویی قربانیان این حادثه دلجویی صورت نگیرد، مشخص است که جنگ شیعه و سنی در پاکستان، آنهم بین اقوام مختلف پشتون و غیر پشتون وارد مرحله جدیدی خواهد گشت.

هموطنان گرامی!

هر چند اکنون طالب تلاش دارد تا خود را در قضیه نه تنها بیطرف بلکه طرفدار حاکمیت پاکستان نشان دهد، مگر وابستگی های غلیظ آنها به کمک های امپریالیستی در صورت ادامه وضعیت کنونی آنها را بیشتر به دامن غرب انداخته، به موازات تعمیق و گسترش روابط آنها با غرب، ناگزیر پای آنها در منجلاب قضایای پاکستان له و یا علیه دولت پاکستان فرو تر خواهد رفت. در نتیجه تمام این فعل و انفعالات، آتشی خواهد افروخت که دود آن اولتر از همه به چشم مردم منطقه به خصوص مردم افغانستان خواهد رفت.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!